



۵۷۴

حاج نورمحمد عُرفانی که عمری برق کار بوده
قدم های زیادی برای آبادانی محلّه برداشته است

روشنی بخشی توسی



عکس: نرجس شاکری/شهرآرا

مجموعه فرهنگی و مذهبی محلّه آزادشهر
پاتوق خوبی برای نسل جدید در محلّه است

«رشد» در سایه مسجد

۶



در صدویکمین دیدار چهره به چهره
سرپرست فرمانداری و مسئولان ادارات
به جمع اهالی محلّه فردوسی رفتند
گره گشایی از چالش سکونت
در حریم میراث

۳

دختر کاراته کار محلّه دانش آموز بادیدن یک برنامه
تلوویزیونی به سمت این رشته ورزشی کشیده شد
حس خوب مبارزه

۷



ساکنان انتهای بولوار سیدرضی برای ورود به محله مسیر اضافه‌ای را طی می‌کنند

زمان تلف شده پشت چراغ قرمز

بهشتی! در ضلع جنوبی بولوار آموزگار شهید رجایی حرکت می‌کنیم و از مقابل آموزگار ۳۷ در ضلع دیگر خیابان عبور می‌کنیم. برای ورود به این معبر باید پشت چراغ قرمز تقاطع بولوارهای آموزگار و سیدرضی توقف کنیم و بعد دور بنیم. طی کردن این مسیر اضافه توقف پشت چراغ قرمز هفت دقیقه از وقت ما را می‌گیرد! این زمان در ساعات ابتدایی شب به پانزده تا بیست دقیقه افزایش پیدا می‌کند. اهالی محله شهیدرضی در حاشیه بولوار آموزگار و در انتهای بولوار سیدرضی در طول روز بارها با این مشکل مواجه هستند و تقاضای اقدامی برای رفع آن را دارند.



درخواست کرده‌ایم که اینجا یک دوربرگردان ساخته شود. این نیاز حداقل ۲ هزار خانواده است، اما با اینکه بولوار عریض است، اصلاً به حرف ما توجهی نمی‌شود.

● طرح باشد، مشکل اجرا نداریم

شهردار منطقه ۱۱، درخواست شهروندان محله شهیدرضی را به دودلیل قابل قبول می‌داند؛ مورد اول وقت شهروندان است که پشت چراغ قرمز تلف می‌شود و در این تقاطع بولوارهای سیدرضی و آموزگار ترافیک ایجاد می‌کند. مورد دوم به دلیل مسیر اضافه‌ای است که شهروندان باید با وسیله نقلیه خود طی کنند.

اما همه داستان این نیست؛ مهدی عرفانیان معتقد است این درخواست و طرح مدنظر شهروندان جنبه‌های ترافیکی و کارشناسی دارد که باید مورد توجه قرار گیرد. همین ادله ترافیکی هم بوده است که تاکنون مانع از ایجاد دوربرگردان در این نقطه از بولوار آموزگار شده است.

مهدی عرفانیان توضیح می‌دهد: شهرداری منطقه ۱۱ تاکنون چند مرتبه با سازمان ترافیک شهرداری مشهد برای ایجاد دوربرگردان در محل مورد نظر نامه نگاری کرده است اما همکاران ما در این بخش دلایلی دارند و به لحاظ ترافیکی و خطراتی که هست، برای محدوده طرحی را تأیید نمی‌کنند و قطعاً در آن، مسائل ایمنی سفر و خطرات احداث دوربرگردان در این نقطه مدنظر است.

شهردار منطقه ۱۱ در ادامه می‌گوید: ما مجدداً در این زمینه نامه نگاری می‌کنیم و در صورتی که طرحی از سوی سازمان ترافیک ارائه شود، در بازه زمانی اندک، آن را اجرا می‌کنیم.

● ترافیک امروزی در بولوار قدیمی

تلف شدن وقت در این نقطه از شهر به قدری برای اهالی محله اذیت‌کننده بوده است که آن‌ها استشهادی با امضاهای شهروندی تهیه کرده‌اند. رضا شیخی، از اهالی محله که از مشکل و تقاضای شهروندان آگاه است، می‌گوید: یک زمانی، این محدوده شهری ساکنان چندانی نداشت و اصلاً اینجا چراغ قرمز نصب نبود، چه برسد به ترافیک و... الان فضا تغییر کرده و سکونت در اینجا افزایش پیدا کرده است. چراغ راهنمایی نصب شده است، ترافیک زیاد است و... با وجود این همه تغییر، طراحی بولوار آموزگار تغییر نکرده است.

او می‌گوید: این همه ماشین در روز، حدوداً پانصد ششصد متری را اضافه طی می‌کنند و چند دقیقه هم پشت چراغ قرمز تلف می‌کنند تا بتوانند وارد محله شوند. در حالی که اگر در حوالی آموزگار ۳۷ دوربرگردان ایجاد شود، این مسیر کوتاه و مشکل‌ناپذیر خواهد شد.

● دوربرگردان به نفع همه خودروهاست

با پروانه حسینی و ندهم در محله صحبت می‌کنیم. او کوتاه شدن مسیر و ایجاد دوربرگردان را به نفع همه کسانی می‌داند که از این مسیر تردد می‌کنند؛ «سر شب وضعیت ترافیک در اینجا طوری است که باید چراغ سه چهار بار سبز شود تا از چهارراه رد شوید. حدود چهل درصد از این ماشین‌ها چهارراه را دور می‌زنند و وارد محله شهیدرضی می‌شوند. اگر همین دوربرگردان باشد و ماشین‌ها از این نقطه راه خود را جدا کنند، ترافیک در چهارراه هم کم می‌شود و به نفع دیگران است.»

او ادامه می‌دهد: ما تاکنون چند بار به شهرداری نامه نوشته و

فرهنگ سرای محله دانشجو
فضاهای متنوعی برای گذران اوقات فراغت فراهم کرد
شادی در «ترافیک»



در راستای برگزاری برنامه‌های بانشاط برای مخاطبان، فرهنگ سرای ترافیک در یک روز میزبان نسل‌های مختلف شد.

به گفته کارشناس فرهنگ سرای ترافیک، در این برنامه، ایستگاه‌های تفریحی و ورزشی راه‌اندازی شد تا کودکان و نوجوانان سرگرم شوند.

محمود زمانی ادامه داد: مادر فضای فرهنگ سرا برای سه نسل برنامه هم‌زمان در نظر گرفتیم.

مادران جوان در کلاس‌های مهارت‌افزایی و پرورش حاضر شدند، هم‌زمان فرزندان آن‌ها پشت میزهای نقاشی و در زمین‌های مسابقه و ورزش سرگرم شدند. علاوه بر این

بانوان میان سال هم که محصولات خانگی تولید می‌کنند، در فضای فرهنگ سرا محصولات خود را برای فروش ارائه کردند.

تحکیم فضای خانواده و مسلط شدن مادران به مدیریت فضای خانه، مهم‌ترین هدف برگزاری این برنامه بود که لحظات شادی را برای آن‌ها و کودکان و نوجوانان رقم زد.

هفته گذشته شهردار منطقه ۱۱ به همراه معاون فنی و اجرایی منطقه در مرکز ارتباطات مردمی ۱۳۷ حاضر شدند تا به مطالبات شهروندان درباره کمبودهای مشکلات شهروندی پاسخ دهند. وضعیت پیام‌های مردمی به این قرار بود:

تعداد پیام‌های مردمی: ۲۶ تماس



تماس‌هایی درباره فعالیت مشاغل مزاحم: شهروندان ۳ درخواست درباره برخورد با فعالیت مشاغل مزاحم در بولوارهای سیدرضی، جلال‌آل احمد و دانش آموزان مطرح کردند.

تماس‌های مربوط به نظافت معابر: شهروندان ۴ درخواست در زمینه رفت و روب معابر امامت ۴۶، خیابان میرزا کوچک خان، امامت ۴۵ و... با مسئولان در میان گذاشتند.



مطالبات شهروندان در زمینه فضاهای ورزشی: ۳ تماس شهروندان مربوط به تجهیز فضاهای ورزشی بود که شامل زمین روباز سیدرضی ۵۹، شهرک ارمان و زمین روباز چهل بازه است.



شهرآرام محله پیگیری می‌کند: پیش از این حدود ۵ درصد مشکلات مطرح شده در تماس شهروندان را در شهرآرام محله پیگیری کرده‌ایم که شامل فعالیت مشاغل مزاحم، ترافیک بولوار آموزگار و حفاری شرکت‌های خدماتی می‌شود. در ایام پیش‌رو نیز به احداث دوربرگردان در بولوار آموزگار، ترافیک جلوبیمارستان بینا و وضعیت آسانسورهای پل‌های هوایی را بررسی می‌کنیم.





در صدویکمین دیدار چهره به چهره
سرپرست فرمانداری و مسئولان ادارات
به جمع اهالی فردوسی رفتند

گره‌گشایی از چالش سکونت در حریم میراث

بهشتی‌اشهروندان با برکه‌هایی در دست به سمت میز مسئولان می‌روند تا مطالبات و مشکلات خود را پیگیری کنند. اما این بار رئیس ادارات پشت میز کار و در دفترشان نیستند، بلکه به جمع مردم محله فردوسی آمده‌اند. این صدویکمین دیدار فرماندار و مسئولان ادارات شهرستان مشهد با شهروندان است و این بار قرعه به نام مسجد جامع صاحب‌الزمان^(عج) محله فردوسی افتاده است. در این نشست، سید حسن حسینی معاون استاندار و سرپرست فرمانداری شهرستان مشهد، مهدی ناصحی رئیس شورای اسلامی شهر مشهد، مجید طهوریان عسکری رئیس کمیسیون توسعه و بهسازی توس شورای اسلامی شهر، مهدی خداشناس شهردار منطقه و نمایندگان از ادارات برق، گاز، مخابرات، میراث فرهنگی، تربیت بدنی، نیروی انتظامی، بنیاد شهید، علوم پزشکی و... حاضر شده‌اند.



● هم مردم هم میراث فرهنگی

سرپرست فرمانداری جدید شهرستان مشهد که در اولین دیدار چهره به چهره خود به جمع اهالی فردوسی آمده بود، با اشاره به موقعیت تاریخی و هویتی ارزشمند این محدوده شهری گفت: حضور در بین مردم توس، فرصت مغتنمی برای من است، به خصوص که می‌توانیم به درخواست‌های آن‌ها که اکثر آنها نیازهای اولیه است، پاسخ دهیم. سید حسن حسینی ادامه داد: در محدوده محله فردوسی، چالش حوزه سکونت در حریم میراث فرهنگی را داریم که سعی می‌کنیم با همراهی ارگان‌های درگیر، به هماهنگی‌ای برسیم که هم از میراث فرهنگی صیانت شود و هم شهروندان به حقوق اولیه و امکانات مناسب زندگی‌شان دسترسی داشته باشند.

● رفع مشکلات با کمک مردم

شهردار منطقه ۱۲ مشهد، دیدار چهره به چهره مسئولان با شهروندان را رویکرد مناسبی دانست که باعث اعتماد زایی شده و سبب می‌شود مشکلات محلات با کمک خود مردم رفع شود. مهدی خداشناس با اشاره به خدمات شهرداری منطقه ۱۲ در محدوده توس گفت: رویکرد ما این بوده است که همه مردم از حقوق عادلانه خدمات شهری بهره‌مند شود. در همین راستا هشتاد درصد از محورهای محدوده شهری توس آسفالت شده است و بیست درصد باقی مانده در سال پیش رو آسفالت خواهد شد. او ادامه داد: رویکرد دیگر شهرداری در توس این است که احقاق حقوق مردم در طرح تفصیلی صورت گیرد تا بتوانیم در این زمینه پاسخ‌گوی شهروندان باشیم.

درخواست شهروند: در آغاز دوره ششم شورای اسلامی شهر مشهد، قرار بود توسعه محدوده توس با پروژه‌های فاخر ادامه پیدا کند، اما پروژه‌ای که اجرا نشد هیچ، همان طرح‌های قبلی هم لغو شد. آیا قرار نیست هیچ طرح عمرانی گردشگری جدیدی اجرا شود؟

مجید طهوریان عسکری، رئیس کمیسیون توسعه و بهسازی توس شورای شهر: در حوزه اجرایی و عمرانی سه پروژه مدنظر شورای شهر مشهد است. برنامه ریزی برای تهیه طرح و اعتبار این پروژه‌ها انجام شده است و باید با همراهی شهرداری اجرایی شود؛ این پروژه‌ها شامل پل شاهنامه، اجرای باغ‌راه شاهنامه و بوم‌پارک کشف می‌شود که در کنار طرح تفصیلی می‌تواند اتفاقات خوبی را برای محدوده رقم بزند.

درخواست شهروند: وضعیت مسیر کوچه ملاصدرا ۱۵ در خیابان شاهنامه ۱۶۹ اصلاً جالب نیست و نارضایتی اهالی رایج همراه دارد. درخواست داریم اگر امکان آسفالت وجود ندارد حداقل زیرسازی شود تا برای رفت و آمد مان اذیت نشویم.

محمد سالار رئیس ناحیه توس شهرداری منطقه ۱۲: با توجه به ضرورت موضوع و مطالبه اهالی، تاییدیه آسفالت این معبر دریافت شده است. اعتبار پروژه هم اختصاص یافته است. پیمانکار تعیین شده است و زیرسازی را شروع کرده است، انشا... به زودی کوچه ملاصدرا ۱۵ آسفالت می‌شود و مشکلات اهالی در این خصوص برطرف می‌شود.

درخواست شهروند: در محدوده بولوار شاهنامه و محله فردوسی درمانگاه نداریم. یک فضای درمانی هم که به نام خیریه داشتیم، الان خصوصی شده است و خدمات درمانی را با قیمت‌های زیاد به مردم ارائه می‌کند. تکلیف ما چیست؟

جواد امجدی، رئیس مرکز بهداشت شماره یک مشهد: در حال حاضر همه خدمات درمانی درمانگاهی از جمله حضور پزشکان عمومی، دندان پزشکی، تزریقات و... را در مراکز بهداشتی محدوده توس ارائه می‌کنیم. اگر باز هم کمبودی باشد، ظرفیت موجود را تقویت می‌کنیم. درباره مرکز درمانی مورد اشاره هم با معاونت درمان دانشگاه علوم پزشکی گفت‌وگو خواهیم کرد تا بازرسی و بررسی خدمات را در دستور کار قرار دهند.

درخواست شهروند: در تابستان، فشار آب در محله ماکم است و مکرر قطعی آب داریم. الان که زمستان است و مشکل کم شده، تقاضا داریم اقدامات پیشگیرانه انجام شود.

بابک امیرسرداری، رئیس اداره آب و فاضلاب منطقه ۴ مشهد: آب شرب محدوده بولوار شاهنامه، از طریق ۲۲ حلقه چاه تأمین می‌شود. متأسفانه با کم شدن بارش‌ها و کاهش سطح سفره‌های زیرزمینی در زمان‌های اوج مصرف، با کمبود آب مواجه هستیم. قطعی برق هم با توجه به قطع شدن برداشت آب از چاه‌ها مزید بر علت شده است. با رفع مشکلات برخی از چاه‌ها در زمستان، برنامه ریزی کرده‌ایم که همه ۲۲ حلقه چاه محدوده در تابستان در مدار باشد تا مشکل به حداقل برسد.

درخواست شهروند: از زمانی که آخرین مدرسه در محله فردوسی ساخته شده است، حدود سی سال می‌گذرد. این محله کلی تغییر کرده و جمعیت آن اضافه شده است. بچه‌ها و نسل جدید باید کجا درس بخوانند؟ این همه راه بروند تا مرکز شهر؟

مهدی نظریه‌ثانی، معاون آموزش متوسطه آموزش و پرورش ناحیه تبادکان: در حال حاضر مادر محله فردوسی هم زمین داریم، هم خیر مدرسه‌ساز پای کار و هم مدرسی که امکان توسعه دارند. اما میراث فرهنگی شهرستان مشهد در هیچ زمینی به ما اجازه حفاری نمی‌دهد. در تلاش هستیم که زمین‌ها را با قطعاتی در بیرون از رینگ محدوده توس تهاتر کنیم تا بتوانیم ساخت مدرسه را شروع کنیم.

درخواست شهروند: کشتی پهلوانی و کشتی باجوخه ورزش اول محدوده توس است، اما ما هیچ زمین استاندارد برای این‌چنان داریم. گودهای خوب را در دیگر نقاط شهر ساخته‌اند و اینجا که مرکز این ورزش است، دیده نمی‌شود.

علی برومند، رئیس اداره ورزش و جوانان مشهد: همراه با انجمن کشتی باجوخه خراسان رضوی پیگیر احداث یک گود پهلوانی جدید و باشکوه در محدوده محله فردوسی هستیم. این زمین ۲ هزار متر مربع مساحت دارد و الان امور مربوط به مالکیت آن را پیگیری می‌کنیم. این فضا با ظرفیت زیاد تماشاگر ساخته خواهد شد تا در شأن کشتی پهلوانی و باجوخه توس و پاسخ‌گوی حضور پهلوانان و علاقه‌مندان باشد.

درخواست شهروند: ساخت باغ ویلا در محدوده توس، ناامنی‌های اجتماعی رایج دنبال داشته و بعضاً مزاحمت‌هایی را برای ساکنان باعث شده است. با افزایش ایجاد این فضاها تنه‌ها پاسگاه منطقه جواب‌گوی میزان مشکلات نیست؛ درخواست می‌کنیم یا ایستگاه پلیس ایجاد شود یا گشت زنی افزایش یابد.

سروان حمید مروجی، جانشین رئیس پاسگاه فردوسی: در حال حاضر به صورت مرتب در محلات گشتی زنی می‌کنیم. با وجود این و با توجه به درخواست اهالی، پیشنهاد افزایش نیرو و تجهیزات گشت زنی را داده و در این زمینه نامه نگاری کرده‌ایم. این درخواست در مراجع بالاتر در حال بررسی است و امیدواریم زودتر به نتیجه برسد تا جواب‌گوی نیاز اهالی این محدوده باشیم.

درخواست شهروند: برای دریافت انشعاب گاز، پاسخ درستی از اداره گاز دریافت نمی‌کنیم. در حالی که لوله گاز از جلو خانه مان عبور کرده است، نمی‌توانیم از این نعمت استفاده کنیم. تاکی باید سرما و مشکلات را تحمل کنیم؟

محمود توکلی، رئیس اداره گاز منطقه ۹: برای دریافت انشعاب گاز فرایندی تعریف شده است و طی آن، مشترک باید برای استفاده از گاز، مجوز شهرداری را داشته باشد. اگر شهروندان مجوز را دریافت نکنند، یعنی در مراحل ساخت و ساز دچار تخلف یا مشکلی شده‌اند. هر شهروندی که این مجوز را دارد، از خدمات ما بهره‌مند می‌شود؛ زیرا همه معابر محله فردوسی لوله‌کشی شده است و مادر آن‌ها خدمات ارائه می‌کنیم.

۱۲

داستان جلد

حاج نورمحمد عرفانی که عمری برق کار بوده
قدم‌های زیادی برای آبادانی محله برداشته است

روشنی بخش توس

خاک حاصلخیز نجاتمان داد



اگرچه ۷۸ سال پیش در شهرستان چناران متولد شده، ۶۸ سال است که در توس سفلا، مجاور آرامگاه فردوسی زندگی می‌کند. می‌گوید پدرش باغبان ارباب چناران بود که نشان این حرفه در فامیلی‌اش پیدا است؛ باغبانی که وقتی دارو غه جانش را به لب رساند، به خاک حاصلخیز توس پناه آورد.

حاج نورمحمد می‌گوید: مرحوم پدرم حسین آقا، باغبان ارباب برات... کوهستانی بود و پنج هکتار از اراضی او را در چناران حاصلخیز نگه می‌داشت. رسیدگی به همه درخت‌های این باغ بزرگ که از هر نوع میوه‌ای در میان‌شان پیدا می‌شد، برعهده پدرم بود. ارباب، دارو غه‌ای از خدا بی‌خبر و ظالم داشت که حتی خواب را برای این باغبان و کشاورزها حرام کرده بود. پدرم و چهارتن دیگر از همین کشاورزان که به ستوه آمده بودند، دل از چناران کردند و هر کدام راهی روستایی دیگر شدند. خاک حاصلخیز توس، پدرم را به اینجا کشاند و کشاورزی را از سر گرفتیم.

گویا در آن روزها مرحوم حاج قنبر غلامی که حرفش در توس پروداشت، کمک‌حال این خانواده می‌شود تا کار و زندگی‌شان سر و سامان پیدا کند. بعد از چهار سال هم با اجرایی شدن قانون تقسیم اراضی، حسین آقا در توس سفلا صاحب زمین می‌شود و کشاورزی‌اش با کاشت گندم، جو و چغندر و... در همین زمین‌ها ادامه پیدا می‌کند.

روی زمین نماندم



وقتی پدر حاج نورمحمد بار زندگی‌اش را در این روستا پهن می‌کند و کشاورزی را از سر می‌گیرد، او نیز همراه پدر، مرد خیش و زمین می‌شود؛ «جوان بودم و کاری نداشتم؛ کمک دست پدرم در کار کشاورزی شدم.»

اما خیلی زود شانس به او رو می‌کند و پایش به آرامگاه فردوسی باز و زندگی‌اش متحول می‌شود. سال ۱۳۴۳ با آغاز بازسازی آرامگاه فردوسی او یکی از دوازده جوان توس می‌شود که برای کار در آرامگاه پذیرفته می‌شوند.

یک سالی فقط سنگ روی در و دیوارهای چینه و بعد هم مسئول بستن داربست و کمک تأسیساتی می‌شود. با افتتاح بنای جدید فردوسی در سال ۱۳۴۷ او که دستش به کارهای فنی می‌رفت، به عنوان نیروی اصلی در تأسیسات آرامگاه استخدام شد؛ «برای ماده دوازده نفر روستا، آرامگاه سبب خیر شد.»

او از آن روز زیر نظر مهندس جهانگیر دارابی که جوانی از نیشابور بود، کارهای برقی را یاد گرفت و خیلی زود به مهارتی رسید که به وقت رسیدن برق به توس، دستگیر مردم شد.

فاطمه شوشتری می‌گوید: شاید از قضا و قدر بوده که کلمه «نور» کنار اسمم بنشیند و روزگار تاب بخورد تا این کلمه زندگی‌ام را هم بسازد.

حاج نورمحمد بیراه هم نمی‌گوید، چرا که عمری است زندگی‌اش با «برق» گره خورده است. حالا او را همه اهالی توس می‌شناسند و با مهارتش در کار برق آشنایند؛ زیرا نخستین کلید برق را در سال ۱۳۵۶ او گذاشت و روشنی را به خانه‌ها آورد.

وقتی از تیرهای چوبی بالا رفت و سیمی از آن تا خانه‌ها کشید، خودش هم نمی‌دانست دلیل روشنی‌ی خانه‌های زیادی خواهد شد و حالا می‌گوید: یکی دو تا نبوده. کلید برق همه خانه‌های توس سفلا و علیار را خودم گذاشتم و لامپ‌شان را روشن کردم.

حاج نورمحمد اما در این سال‌های یک چیز را خیلی خوب از حرفه‌اش یاد گرفته و آن نوربخشی است. برای همین است که مردم در محله، او را با خدمات بی‌دریغ و بی‌منتش در برق‌کشی قدیم به یاد می‌آورند و نامش را وصل مسجد جامع توس می‌کنند که عمری است خادمش است.

البته حاج نورمحمد عرفانی گلکار ساکن محله فردوسی فقط در این جملات خلاصه نمی‌شود و این‌ها که گفتیم حسب و حال بود و معرفی زندگی‌اش داستانی شنیدنی دارد. داستانی که با فرار پدر باغبان از دست دارو غه ظالم نقل می‌شود و به آرامگاه فردوسی می‌رسد که همسایگی با آن آغاز تحول در زندگی او بود.



آب گوارای آب انبار آرامگاه فردوسی

حاج نورمحمد خاطره از آرامگاه فردوسی کم ندارد که در این مطلب فرصت پرداختن به آن نیست. از میان این خاطرات نقلش از آب انبار آرامگاه فردوسی که به روستای توس سفلا آب می‌رساند، شنیدنی است: به فاصله چند قدم در پشت آرامگاه آب انباری بود که پنج شش پله پایین می‌رفت. حوضش چندان بزرگ نبود و به اندازه دو تانکر آب ذخیره داشت. این آب گوارا از سمت گوارشک از چشمه پس کمر می‌آمد. ما مردم روستا هر روز برای خورد و خوراک از همین آب برمی‌داشتیم. بالای آب انبار هم مدرسه دخترانه و پسرانه بود که اهالی بچه‌هایشان را می‌فرستادند. آب انبار موقع بهسازی پر شد و بعد از ساخت مدرسه شهادت، مدرسه هم خراب شد.

آرامگاه در بالاترین حد رسیدگی بود

حاج آقا عرفانی تک به تک روزهایی را که در آرامگاه فردوسی مشغول کارگری برای مرمت بود، به خاطر می‌آورد. برای او در آن زمان یکی از شگفتی‌ها رسیدگی خیلی خوب به این بنا بود و می‌گوید: موقع بهسازی بهترین‌ها را از مصالح گرفته تا تجهیزات استفاده می‌کردند. چون آن زمان خلاف امروز برق‌کشی از زیر زمین بود، برای اینکه آسیبی حتی به کابل‌ها وارد نشود، با دقت داخل حفرة‌های سیم و کابل‌ها را با ماسه پر کردیم تا موش‌ها نجوند.

آرامگاه ماه روشن محل بود

حاج نورمحمد عمری را در آرامگاه فردوسی گذرانده و برای روشنائی آن کم زحمت نکشیده است. او روزهایی را به یاد می‌آورد که در تاریکی شب، آرامگاه بانورافشانی آن‌ها مثل ماه روشن می‌شد و می‌گوید: برای اینکه وجود پروژکتورها زیبایی آرامگاه را نگیرد، لبه باغچه‌ها را رو به آرامگاه در چهار طرف چاله‌های کم عمقی کنده بودیم. داخل هر چاله سه پروژکتور ۱۵۰ ولتی و یک پروژکتور عظیم گذاشته بودیم. این پروژکتورها هم زمان با غروب خورشید به همراه نورافشانی باغچه‌ها روشن می‌شد و نشان می‌داد آرامگاه چه عظمتی دارد.

بی‌منت برای یک فیوز پریدن می‌آمد

بسیاری از اهالی قدیم محله هنوز به خاطر دارند چطور حاج نورمحمد برای اینکه چراغ یک خانه بیشتر روشن شود، تلاش می‌کرد. مجید آراسته یکی از همین افراد است که بارها شاهد بالا رفتن آواز تیرهای چوبی برق بوده است و می‌گوید: حاج آقا خودش سفارش ساخت رکاب‌های میخی و کمر بند برای بالا رفتن از تیرها را داده بود. تادر محل برق قطع می‌شد، نگاه نمی‌کرد قرار است بهش پولی بدهند یا نه. وسایلی را برمی‌داشت و به آن روشنائی را به توس بازمی‌گرداند. البته کارش فقط این نبود؛ آن زمان که در خانه هرکسی فاز مترو... پیدانمی‌شد و از طرف دیگر همه از برق ترس داشتند. تافیوزی می‌پرید، دنبالش می‌رفتیم و او بی‌منت برای بالادادن یک فیوز برق هر زمانی از شب و روز بود. همراهان می‌شد. تالامپی روشن نمی‌شد، فاز مترش را برمی‌داشت و سریع می‌آمد. واقعا کار راه‌انداز بود و دوست داشت خدمت کند.

او که خدایا مرزی از زیانش به وقت آمدن نام مرحوم ملاعباس بیداری نمی‌افتد، می‌گوید: مرحوم ملاعباس، خدا رحمتش کند، کد خدای توس بود و حرفش برود داشت. برای رسیدن برق، رضایت آقای آفاق، مدیر وقت اداره برق مشهد را گرفت و عید سال ۱۳۵۶ برق به اینجا رسید. چون خودش بانی این کار شده بود، اول چراغ خانه‌ها را روشن کردند و من در پنج ماه کل خانه‌های توس سفلا و علیا (اسلامیه) را برق‌کشی کردم. حاج نورمحمد جشنی را که مردم برای رسیدن روشنائی به این محل برپا کردند، هنوز خوب به یاد دارد و از گوسفندانی که در آن روز، قربانی و گوشتش بین نیازمندان توزیع شد، یاد می‌کند.



به‌دعای خیر مردم جان به در بردم

«سه بار از مرگ حتمی نجات پیدا کردم» حاج آقا عرفانی این جمله را می‌گوید تا به نشان دهد اگر کار خیری کرده و چراغ خانه‌ای را هم بی‌مزد و منت روشن کرده، در عوض برکت و دعای خیری نصیب زندگی‌اش شده که نجات بخش جانش بوده است. دیوار پشت موتورخانه آرامگاه فردوسی را نشانمان می‌دهد و می‌گوید: داخل موتورخانه درست جلوه‌های دیوار کار می‌کردم. اصلا متوجه نشدم چطور دستم به کندانکتور برق خورد. به‌آنی این برق نامرطرم کرد و محکم کوبید به دیوار. به خودم گفتم تمام شد. شاید باورتان نشود ولی با وجود این برق‌گرفتگی شدید از زمین بلند شدم. چیزی نشده بود. با خودم گفتم دعای خیر مردم نجاتم داد و انگار قسمت نیست بمیرم.

البته او چند بار دیگر هم دچار برق‌گرفتگی شدید شده است: تعریف می‌کند: برق چراغ تیری یکی از کوچه‌ها قطع شده بود. بارکاب و کمر بند بالا رفتم. سرتیر که رسیدم، انگار صد نفر گفتند کمر بند را دور چراغ تیر نینداز. برای باز کردن چراغ خراب باید از کله چراغی آویزان می‌شدم. به محض اینکه دستم را دور چراغ تیر انداختم برق گرفت. چنان می‌لرزاند که تیر هم می‌لرزید. بالرزش شدید میخ‌رکاب‌ها از چوب آزاد شد و تا پایین سر خوردم. مردم که شاهد این برق‌گرفتگی بودند، باورشان نمی‌شد زنده‌ام.

حاج نورمحمد ۲۵ سال قبل از کار کردن در آرامگاه فردوسی باز نشسته شد و چسبید به مغازه الکتریکی‌ای که با آمدن برق در محله راه‌انداخته بود. او همچنان هرکاری برای روشنائی در محله لازم باشد و نیاز به مجوز نباشد، برای اهالی انجام می‌دهد. از طرف دیگر، کارهای برقی مسجد جامع را که سال‌هاست خادمی آن را برعهده دارد، خودش انجام می‌دهد.

اولین کلید برق رادر خانه ملاعباس زد

قبل از آنکه حاج نورمحمد سیم برقی برای محله بکشد، کل سیم‌کشی آرامگاه فردوسی را در سال ۱۳۴۶ با کمک مهندس دارابی انجام داده بود؛ «برق آرامگاه با استفاده از یک موتور دوسیلندر تأمین می‌شد. از همین موتور که بعد ها دو تا شد برای جوشکاری و کشیدن آب هم استفاده می‌کردیم. در سال‌های بهسازی مقرر شد برق از انشعاب اصلی به آرامگاه برسد. همه سیم‌کشی‌ها را انجام دادیم و سال ۱۳۴۶ برق به آرامگاه رسید. من با همین تجربه در سال ۱۳۵۶ برق‌کشی توس سفلا و علیا را برعهده گرفتم.»

بند پول نبودم

نه اینکه خودش بگوید، بلکه مردم قدیمی محل تعریف می‌کنند که حاج نورمحمد بند پول در برق‌کشی محل نبود. اگر کسی داشت، اجرتش را می‌داد؛ اگر هم نداشت، او به یک صلوات هم راضی بود. با اصرار زیاد از او می‌خواهیم از این قدم‌های خیرش بگوید. به سفارش پدر، این کمک‌ها معامله آدم با خودش است تا خیر و برکت از زندگی قطع نشود؛ «مرحوم پدرم همیشه می‌گفت کمک کن تا دعای خیر و یاد بود مردم برایت بماند. آن زمان اداره برق برای هر کنتور مبلغی تعیین کرده بود. من کنتورهای لاندیس را خودم می‌خریدم. برق‌کشی می‌کردم و زیر پروژکتور تست می‌گرفتم. بعد در خانه اهالی برای نصب می‌بردم. برای نصب، اهالی پول سیم و کنتور را خودشان می‌دادند و برای اجرت هم اگر کسی داشت می‌داد؛ اگر هم نداشت، بند پولش نبودم. فقط دوست داشتم چراغ خانه‌ها روشن شود.»

بعد از آن هم چون کس دیگری که بلد این کار باشد در محل نبود هرکسی که برقش قطع می‌شد یا مشکلی پیش می‌آمد، وقت و بی‌وقت به در خانه او می‌آمد و به گواه اهالی، او همیشه جواب‌گوی مردم بود؛ «شاید باورتان نشود. وقتی دنبال می‌آمدند تا پیریزی برای تلویزیون سیاه و سفیدی که خریده‌اند، بکشم و آنتنشان را نصب کنم، خیلی اوقات پولی نمی‌گرفتم. برایم دیدن خوشحالی این مردم که ضعیف هم بودند، کفایت می‌کرد.»

آن طور که حاج آقا عرفانی به یاد می‌آورد، آن زمان باران فراوان بود و وسیل هم زیاد می‌آمد که یکی از خرابی‌های آن، افتادن تیرهای چوبی برق بود. اگر قرار بود مردم منتظر باشند تا اداره برق مشهد برای تعمیر بیایند، چندین روز طول می‌کشید. برای اینکه مردم از تاریکی در بیایند، او و مهندس دارابی مشغول می‌شدند و روشنائی را به محله می‌آوردند.

مجموعه فرهنگی و مذهبی محله آزادشهر، پاتوق خوبی برای نسل جدید در محله است

«رشد» در سایه مسجد



فضایی باب میل نسل جدید

باشگاه ورزشی در طبقه پایین مسجد است. بعضی وقت ها اگر گوشمان را تیز کنیم، صدای تمرینشان به داخل مسجد می آید. آقایان اینجا تمرین دفاع شخصی، آمادگی جسمانی، تنیس روی میز و تیراندازی می کنند و بانوان هم برای ورزش تکواندو و راینجا حاضر می شوند. الیاس نجاتی می گوید: تدبیر بنیاد فرهنگی تربیتی رشد برای این است که همه نیازهای کودک و نوجوان در فضای مسجد فراهم شود تا این قشر حول فضای مسجد زندگی و تردد کنند. به همین دلیل ما باشگاه را ایجاد کردیم. حدود سه سال هم می شود که مطابق با روحیات نسل جدید، فضای رسانه و انیمیشن فراهم کردیم تا بچه ها در این دوبخش بارسانه آشنا شوند و کارهای گرافیکی انجام دهند.

اینجا وقت بچه ها تلف نمی شود

در مسجد وقت بچه ها تلف نمی شود. این را الیاس نجاتی می گوید و ادامه می دهد: هر کودک و نوجوانی که وارد مسجد می شود، استعداد ادبی هنری، ورزشی و رسانه ای می شود و در هر کدام از حوزه ها توانایی داشته باشد. با او کار می شود تا توانایی اش را پرورش دهد. امیرعلی امینیان از جوانانی است که خودش از سن کم در کارهای مسجد حاضر شده و اینجا رشد کرده است. او می گوید: توجه مجموعه به نوجوانان باعث می شود که از بسیاری از آسیب های اجتماعی دور باشند و به معنای واقعی رشد کنند.

امیرعلی می گوید: همین کتابخانه مسجد، یک ظرفیت ارزشمند است که برای شصت نفر سالن مطالعه دارد و باعث می شود بچه هایی که به اینجا می آیند، با افراد سالم رفت و آمد و دوستی داشته باشند. کنار مسجد امام حسن مجتبی (ع) یک فروشگاه محصولات ارگانیک به چشم می خورد که وقتی وارد می شوی، از بوی گلاب گرفته تا عطر زعفران و... به مشامت می خورد. مسجدی که بعد از راه اندازی اسمش را «جوانه» گذاشتند و اداره اش را سپردند به دست جوانان مسجدی. این افراد محصولات سالم تولید می کنند و به فروش می رسانند. این طور هم برای مسجد درآمدزایی می شود و هم برای هفت نفر از اهالی محله اشتغال آفرینی. البته این تنها اشتغال زایی مسجد نیست. در مجموعه مهد کودک، مدرسه و کتابخانه هم دوازده نفر مشغول کار هستند و از این طریق به درآمد رسیده اند.

اولویت مدرسه، تعلیم و تربیت است

هر روز صبح ۶۰ دختر کلاس اولی و پانزده کودک مهدکودکی با لباس های فرم یک دست از در پشتی مسجد وارد و راهی کلاس می شوند. مسجد امام حسن مجتبی (ع) جزو معدود مدارس فعال منطقه ماست که اهالی آن، مجموعه آموزشی مسجد محور ایجاد کرده اند. جواد یعقوبی که دخترش فاطمه زهرا را برای حضور در مرکز پیش دبستانی همراهی می کند، می گوید: ملاک من و همسر من این نبود که حتما یک فضای آموزشی مسجد محور برای فرزندمان انتخاب کنیم. ما دنبال فضای آموزشی ای بودیم که همراه با آموزش های عمومی برآمده از تربیتی تمرکز شود.

در مسجد امام حسن مجتبی (ع) بانوان هم سهم خودشان را در برنامه ها دارند. از جلسات تفسیر قرآن گرفته تا روضه های زنانه و... اما برنامه های بانوان در این مسجد یک تفاوت اساسی با فضا های مشابه دارد. زنان در این مسجد سر کلاس خیاطی، آشپزی و شیرینی پزی می نشینند تا کار را یاد بگیرند و از این طریق برای خودشان به شغل و درآمدی برسند. در این مسجد فضایی شکل گرفته است که اهالی مسجد با توانایی بانوان آشنا هستند و این باعث شده است سفارش کار بگیرند و درآمد داشته باشند.



۱۵ سال، ساخت مسجد خوابید

حاج غدیر دوست داشت مسجد را بسازد و تحویل اهالی محله دهد، اما توان اقتصادی اش را نداشت. به این دلیل همین که با اهالی پی کار را کردند و دیدند برای خرید مصالح و دستمزد استاد بآپولی در کف ندارند، پرونده ساخت مسجد امام حسن مجتبی (ع) بسته شد. او آخر دهه ۷۰ به همت اهالی، حاج فاضل مزیدی که کویتی بود و مؤسسه خیریه ای در مشهد داشت، پاپیش گذاشت و بآپولی که وارد کار کرد، در یک سال، بنای مسجد را ساخت و تحویل اهالی داد.

شیخ مهدی که حالا چهار سال می شود امام جماعت شب مسجد است، تعریف می کند: مسجد از اول با همین معماری و در دوو نیم طبقه ساخته شد: طبقه پایین حسینی، همکف مسجد و نیم طبقه بالا هم ویژه بانوان. این مسجد در نماز ظهر و شب و همه مناسبت ها شلوغ است؛ حاج آقا حسین زاده این موضوع را بی ربط به نیت واقفان مجموعه و نمازگزارانش نمی داند. او می گوید: حاج غدیر آدم ثروتمندی نبود. حاج فاضل هم جز ایجاد فضایی برای ترویج دین دنبال چیزی نبود و همین باعث شد این مکان تا این اندازه متفاوت و معنوی باشد.

پرورش نخبگان معنوی در مسجد

حرف از حضور نوجوانان و جوانان که می شود، می رویم سراغ کسی که نقش اول این حضور پررنگ است؛ فردی که و قتش را وقف مسجد کرده است تا نسل جدید محله را بچه مسجدی بار بیاورند. الیاس نجاتی، رئیس هیئت امنای مسجد است و حدود چهار سال است که بنیاد فرهنگی تربیتی رشد را در فضای مسجد راه اندازی کرده است. اما نجاتی و دوستان مسجدی اش چه کرده اند که نسل جدید را به اینجا بیاورند؟ باید بگوییم هر کاری که برای بچه ها جذاب است. از ایجاد کتابخانه گرفته تا باشگاه ورزشی و مسابقات سرگرم کننده و برگزاری اردو... او می گوید: مادر این مجموعه دنبال پرورش نخبگان معنوی هستیم؛ کسانی که به جز آموزش علمی در زمینه فرهنگی، تربیتی و دینی هم در جامعه اثرگذار باشند. به همین دلیل مربیان و همکارانی داریم که در همین فضای مسجد رشد کرده اند. دوره های تکمیلی را آموزش دیده اند و حالا کنار ما هستند.

بهشتی صدای اذان ظهر که در محله آزادشهر می پیچد، جلوتر مسجد می رسیم. بنایی با آجرهای سفالی پیش روی ماست که با گلدسته های آبی رنگش، نشان از یک معماری سنتی دارد. این معماری با بقیه فضای کوچه امامت ۴۶ همخوانی ندارد. دل نشین بودن فضای مسجد امام حسن مجتبی (ع)، از همین نما شروع می شود و تا فضای داخلش ادامه دارد. قبل از اتمام نماز، صدای های دور تا دور مسجد پر می شود از اهالی محله که با قرائت قرآن و زیارت به استقبال نماز می روند.

وقتی صفوف شکل می گیرد، به ردیف تمام سجاده ها، آقایان ایستاده اند و خانم ها در طبقه بالا هستند. به وقت نماز ظهر، مسجد پر می شود از اهالی آزادشهر. این مسجد در اکثر برنامه ها همین جمعیت را به خود می بیند، جمعیتی که حضور جوانان بینشان پررنگ است.



خدا بیامری برای پسر جوان حاج غدیر

حاج غدیر خیمه آرا که آدم ثروتمندی هم نبود در دهه ۶۰ زمینی را وقف کرد که حالا هرچه پول روی هم بگذاری باز هم خریدش کار سختی است. به قول امام جماعت نماز مغرب و عشاء مسجد، این زمین، زمین خاصی است. غدیر خیمه دار که میوه زندگی اش، مجتبی را در یک تصادف از دست داده بود، تصمیم گرفت این قطعه پانصد متری را در آزادشهر وقف ساخت مسجد کند تا برای پسرش خدا بیامری بخرد.

حجت الاسلام والمسلمین مهدی حسین زاده با اینکه از کودکی تا الان در این محله بوده است، سنش به وقف زمین مسجد قد نمی دهد؛ با وجود این هم اسناد اهدای این زمین را دیده و هم روایتش را شنیده است. او می گوید: حاج غدیر خدا بیامری که چند سال پیش از دنیا رفت، اوایل دهه ۶۰ این زمین را وقف کرد. در سندش هم آورده بود: «خودم و فرزندانم بعدتر هیچ حقی برای بهره برداری اقتصادی و مسکونی از آن نداریم».

هنرجویان کلاس های فرهنگ سرای الهیه، حالا تولیدات خود را در این مجموعه عرضه می کنند

فاصله کوتاه آموختن تا فروش

شمشیری امیدوار است که محصولات بیشتری به این بازارچه راه پیدا کند؛ چون به این ترتیب و با قیمت های مناسب، حسابی به سود او و سایر هم محله ای ها می شود. هماهنگی دیگر بانویی است که با ما هم کلام می شود. او می گوید: برای من ارزشمند است از بانوانی خرید کنم که تولید دست خودشان را می فروشند. کارهای دست سازشان هم اکثرا تمیز و ظریف تهیه شده است.

● کسب درآمد با روحیه ای خوب

برگزاری بازارچه برای بانوان تولیدکننده محصولات خانگی اتفاق خوبی است و کمک کرده آن ها بخشی از محصولات خود را در این فضا بفروشند. مریم سلطانی می گوید: برنامه فرهنگ سرا کمک کرد ما خیلی زود مراحل آموزش تا فروش را بگذرانیم. الان که حساب می کنم، فکر می کنم دیگر پول کلاس ها و مواد اولیه را در آورده ام.

مریم خانم موضوعی را مطرح می کند که اگر به آن توجه شود فروششان رونق می گیرد. او فکر می کند که اگر درباره بازارچه پنچشنبه های فرهنگ سرای الهیه بیشتر تبلیغ شود، اهالی بیشتری از ساکنان ساختمان های اطراف به اینجا می آیند. زهره هاشمی زاد، از دیگر غرفه داران، می گوید: یک هفته فروش خوب است، یک هفته اندک، ولی در کل شاکریم. خیلی از این افراد معطل پول فروش محصول در اینجا نیستند، بلکه حضور در بازارچه روحیه آن ها را عوض می کند. به خاطر اینکه از خانه بیرون می آیند و توانمندی خود را نشان می دهند.

خشک، تولیدات سفالی و... را عرضه می کنند. او وضعیت فروش غرفه داران را خوب می داند و امیدوار است چرخه آموزش، تولید و فروش در منطقه ۱۲ بزرگ تر شود.

● وصل تولیدکننده و مشتری

عرضه مستقیم کالاها از سوی تولیدکنندگان خانگی باعث شده است قیمت محصولات نسبت به بازار به صرفه تر باشد؛ همین موضوع هم پای اهالی را به فرهنگ سرا باز می کند و باعث شده است پنچشنبه ها تردد بیشتری در فرهنگ سرا به چشم بیاید. مژگان شمشیری مشغول بازدید از میزهاست و می گوید: من چند وسیله دکوری سفالی خریدم. او تعریف می کند: این دفعه دوم یاسوم است که به این بازارچه آمده ام. هر دفعه هم یک بخشی از خریدهایم را از اینجا تهیه می کنم.



بهشتی در گوشه ای از سالن، کارهای سفالی چشم نوازی می کند و روی میز دیگری، خوراکی های متنوع، آدم را وسوسه می کند. تنوع محصولات در این فضا چشمگیر است. اما اینجا نه پاستا است و نه بازار محلی؛ ما وسط سالن فرهنگ سرای الهیه و در میان میزهایی ایستاده ایم که محصولات روی آن ها را بانوان توانمند محله تولید کرده اند.

غرفه داران این بازارچه تا چند هفته پیش در کلاس های آموزشی فرهنگ سرای الهیه می نشستند و حالا خودشان غرفه دار شده اند و تولیداتشان را برای فروش آورده اند.

● مقدمه چینی برای کارآفرینی خانگی

پنچشنبه هر هفته، فرصت فروش محصولات بانوان تولیدکننده محله است؛ آنان که هنر و توانمندی خود را تبدیل به شغلی خانگی کرده اند و از آن کسب درآمد می کنند. مسئول فرهنگ سرای الهیه می گوید: در این فضا ظرفیت هایی برای حمایت از بانوان محله فراهم و مراحل کارآفرینی را برای آن ها مهیا کرده ایم.

اکرم بخشی ادامه می دهد: در فرهنگ سرای الهیه بانوان امکان حضور در کلاس های آموزشی را دارند و وقتی به توانمندی تولید رسیدند، می توانند محصولات خود را در روزهای پنچشنبه در بازارچه فرهنگ سرا به فروش بگذارند. به گفته بخشی در این نمایشگاه ۱۰ غرفه برپا شده است و بانوان تولیداتی مانند لباس، وسایل خرازی، شیرینی های خانگی، میوه

دختر کاراته کار محله دانش آموز با دیدن یک برنامه تلویزیونی به سمت این رشته ورزشی کشیده شد

حس خوب مبارزه



● پیش آمده است در مدرسه یا بین دوستان از فن ها و تخصص ورزشی ات استفاده کنی؟
هرگز! جای تمرین و فن فقط در باشگاه و با اجازه مربی است.

● تا حالا از هم کلاسی های خواسته ای که به باشگاه بیایند و تمرین کاراته کنند؟
بله. سال قبل یکی از دوستانم با من همراه شد و از کاراته خوشش آمد و آن را دنبال کرد. البته به دلیل جابه جایی خانه شان باشگاهش را عوض کرد.

● وضعیت باشگاه های کاراته و فضاهای ورزشی در محله خودتان و مدرسه ات چطور است؟
اگر باشگاه های خصوصی نباشد، دیگر جایی برای تمرین کاراته نداریم. مدرسه هم فضایی برای رشته ما ندارد.

● قصد داری کاراته را تا کجا ادامه بدهی؟
من دو چرخه سواری و ژیمناستیک هم تمرین کرده ام. اما در کاراته مانده ام و دوست دارم این رشته را تا زمانی که توان دارم، ادامه دهم؛ تا جایی که شد، بازیکن باشم و بعد هم مربیگری را امتحان کنم.

● دوست داری در این رشته به چه موفقیت هایی برسی؟
مدال و قهرمانی برایم مهم است و اول دوست دارم بهترین کشور باشم و بعد به مدال جهانی فکر می کنم.

● چقدر برای این ورزش وقت می گذاری؟
هفته ای ۶ ساعت با مربیانم، خانم هامزای و رستگار تمرین می کنم.

● کاراته با درس خواندن تداخلی ندارد؟
نه! به کلاس زبان هم می روم و به همه شان می رسم. چون یاد گرفته ام برای کارهایم برنامه ریزی کنم.

● قهرمانی و مدال هایت در چه مسابقاتی بوده است؟
سال ۹۸ قهرمان مسابقات کومیته در ناحیه شدم. سال ۹۹ در رقابت های استانی برنز گرفتم. سال ۱۴۰۰ مدال نقره کشوری گرفتم و چند ماه قبل دوباره در مسابقات استانی سوم شدم.



بهشتی وقتی کمربند را می بندد و روی تاتامی می رود، فقط به مبارزه فکر می کند. به قدری دیدن فیلم های رزمی در دوران کودکی بر ذهنش اثر گذاشته است که او بعد از چند سال هنوز هم دوست دارد آن مبارز قدرتمندی باشد که حریفی را شکست می دهد و به مصاف نفر بعدی می رود. پریسا همتی پور در دوازده سالگی همان دختر موفق خانواده و مدرسه است که همه تحسینش می کنند. کاراته کار نو جوان محله دانش آموز که در مدرسه حجت درس می خواند، پنج سال است که برای تمرین کاراته به باشگاه می رود.

● چه چیز کاراته برایت جذاب است؟
اینکه بتوانم مبارزه کنم. مبارزه مستقیم برایم شیرین است.

● برای همین سبک کومیته را انتخاب کردی؟
بله، البته کاتا یا همان کارهای نمایشی را هم دنبال می کنم ولی موفقیت هایم در بخش کومیته است.

● مبارزه برایت مهم تر است یا مدال گرفتن؟
مبارزه حس بهتری به من می دهد. همه لحظات مبارزه تجربه و تلاش است. وقتی مدال می گیرم، در میدان مسابقه نیستم ولی وقتی مبارزه می کنم، نگاه مربی و دوست و خانواده به من است و باید همه آن ها را خوشحال کنم.



برای پیوستن به کانال شهرآرامحله
منطقه ۱۱ و ۱۲ کد بالا را اسکن کنید



برج‌های دوقلوی پارسیان که جزو اولین
بناهای ساخته شده در این معبر هستند، بیش
از دویست واحد مسکونی را در ساختمان ۱۰ طبقه
شامل می‌شوند و به این واسطه، جمعیت بسیاری
را در خود جای داده‌اند.

زمین‌های خالی را می‌توان یکی از مشکلات بزرگ
ساکنان آموزگار شهیدرجایی ۳۷ به شمار آورد. این
زمین‌ها با کاربری مسکونی رها شده‌اند و گرد و خاک
آن‌ها به چشم اهالی می‌رود.



معبری روبه «برکت»

بهشتی‌وارد خیابان آموزگار شهیدرجایی ۳۷ که شوید، چشمتان از بین ساختمان‌های سر به فلک کشیده
به یک فضای سبز روشن می‌شود که به وقت بهار و تابستان زیبایی رابه این معبر شهری هدیه می‌کند.
از پارک دوسه ساله اش که بگذریم، اولین سکونت‌ها در این معبر از حدود چهارده سال قبل آغاز شده
است. در این معبر، کمتر واحد تجاری یا خدماتی به چشم می‌خورد ولی تادلتان بخواهد، ساختمان
ساخته شده است، البته جای شکرش باقی است که بعضی سازندگان و سرمایه‌گذاران هوس ساخت
بناهای ویلایی هم کرده‌اند تا این نوع ساختمان در این نقطه از شهر هم به چشم بیاید.



پارک کشاورزی «برکت» در انتهای این مسیر
قرار گرفته است؛ فضای سبز متفاوتی با قطعه
زمین‌های کشاورزی در کنار بوستان شهری که
در چند سال آینده، تبدیل به تنفسگاه طبیعی
محل شهیدرضوی خواهد شد.

مصطفی همدانی را اهالی محله به خانه زیبا و
سرسبز می‌شناسند. او که سیزده سال است ساکن
این معبر شده، برای سرسبزی خانه خودش و حتی
فضای محله وقت زیادی می‌گذارد و رسم زیبایی
هدیه دادن گلدان را بین همسایه‌ها ترویج کرده است.



در این محدوده نوساز شهری که هیچ مدرسه
دولتی‌ای در دسترس اهالی نیست، دو مدرسه
غیرانتفاعی به بهره‌برداری رسیده است که هر دو
آن‌ها در این کوچه فعالیت می‌کنند.

